



خبرنامه داخلی

مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد)
سال هفتم، شماره پنجم، مرداد ۱۳۹۸

۴ مبانی معرفت‌شناخت تفسیر

۵ فلسفه فقه احکام در سوره بقره

۹ دعا و هستی‌داری رشد

۱۰ مرجعیت دین، رهسپار درون
دین و چرایی فلسفه اصول

۱۶ اصول اندیشه‌ای - ارزشی مرجع
طراحی سند الگوی پایه پیشرفت

۱۷ نظریه پیشرفت، سند الگوی پیشرفت

به نام خداوندگار حکمت تغییر

پیش حکایت

نشریه علمی - تخصصی حکایت نظر، حکایت تکاپوی پیشاهنگ دانشی مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد) در عرصه دین و توسعه، و به تعبیری جامع‌تر، پژوهش پیشرفت‌شناخت دین و دین‌شناخت پیشرفت است. هفت گروه تخصصی مرکز در دادوستدی روشمند - روش‌شناسی اندیشه و عمل پیشرفت - دستاوردهای خود را در این نشریه گزارش می‌کنند. در این شماره، گزارش پنج گروه منعکس است:

۱. گروه پژوهش‌های نظری و مطالعات مبنا، در فصل پردازش مبانی پارادایمی و نظری اندیشه پیشرفت، دو پروژه: «رهسپاری به ارکان دین»، «مبانی معرفت‌شناخت تفسیر» را پیش رو می‌گذارد؛
۲. گروه مطالعات تفسیری، پردازش حیث استنادی اندیشه مرجع به متن نص (قرآن کریم و سنت اوصیایی) را با چهار پروژه «سوره آل عمران: مدنیت رشد در تداوم خط تمدنی»، «فلسفه فقه احکام در سوره بقره»، «پایش نمایگانی: نمایه انفال» و «اهمیت و ضرورت نظام تزیلی» در دستور هم‌اندیشی دارد؛
۳. گروه اخلاق و سبک زندگی، در فرآوری الگوی اخلاق و سبک زندگی (حیث زیستمانی اندیشه و نظریه پیشنهادی پیشرفت)، به مقوله «دعا و هستی‌داری رشد» می‌پردازد؛
۴. در گروه فقه و اصول و در فرآوری ساحت حقوقی و فقهی نظریه پیشنهادی پیشرفت (فقه نظام پیشرفت)، «از ایده مرجعیت دین، رهسپار فهم حقیقت تا تحقق دین و چرایی فلسفه اصول» و «ساختارهای پیشنهادی فلسفه فقه در بوته نقد» به معرض نظر می‌آید؛
۵. گروه مدیریت راهبردی نیز، در سامان دهی الگوی عمل توسعه‌ای آینده‌نگار راهبردی بر بنیان سامان دانشی سطوح فرآورنده علم، به «نظریه مبنا در مدیریت دین‌شناخت پیشرفت» و «اصول اندیشه‌ای - ارزشی مرجع طراحی سند الگوی پایه پیشرفت» نظر افکنده است.

رویدادهای این نهاد تحقیقاتی، بسیار و بسیارند که سه نمونه از رخدادهای ارجمند مؤسسه شامل: «فصل ایجاد، تقویت و فرآوری سازوکار کیفیت حاکمیت»، «نظریه پیشرفت، سند الگوی پیشرفت» و «از نظریه شهر پیشرفت، پیشرفت شهر رهسپار الگوی سازمان مدیریت شهر» می‌شود.

دبیر علمی

پردازش مبانی پارادایمی و نظری اندیشه پیشرفت

دبیر علمی: احمد آکوچکیان

در گروه پژوهش‌های نظری و مطالعات مبنا، در فصل پردازش مبانی پارادایمی و نظری اندیشه پیشرفت، سه پروژه پیوسته معرفی می‌شود: «رهسپاری به ارکان دین»، بحثی در سلسله مباحث فلسفه دین جهان دینی در جهان جدید است. «مبانی معرفت‌شناخت تفسیر»، در راستای آن صنف از مباحث فلسفه دین با ویرایش تازه‌ای روبرو می‌شود.

تفاوت‌ها و... می‌توان به این نکته دست یافت که مفهومی در نظر شارع دارای اولویت بوده و در هیچ شرایطی رها نشده است. برای مثال «رابطه با خداوند» یکی از این ارکان است که در تمامی شرایط اعم از صلح و جنگ و... بر آن تأکید شده است. بنابراین کشف اولویت‌ها و منطق اولویت‌ها به کشف ارکان دین کمک می‌کند.

۳. یکی دیگر از مدخل‌های کشف ارکان، غرر و محک‌مات قرآن است. چیزی که متشابه باشد و حکم متشابه داشته باشد، نمی‌تواند جزء ارکان قرار گیرد. ارکان نبایستی زیرمجموعه متشابهات قرار گیرند و باید با محک‌مات نسبت داشته باشند.

۴. مسأله نسخ: ارکان و مفاهیم دین جزء آیات نسخ شده نیستند و نباید باشند و به نوعی با مسأله ثابت و متغیر مرتبطند. برای مثال اصل اتفاق یکی از ارکان است اما مسائلی در این زمینه وجود دارد که ذیل متحولیات قرار می‌گیرد؛ مثلاً میزان اتفاق، موارد اتفاق و در کل هر چیزی که جزء کمیت در اتفاق قرار می‌گیرد و جزء جوهره و ارکان دین نیستند. ما می‌توانیم از مفاهیم تغییرپذیر در قرآن صحبت کنیم.

۵. وعده و وعید، انذار و تبشیر و دوگانه‌های مرتبط: اعمالی که بدانها وعید داده شده، جزء ارکان اصلی هستند و نمی‌توانند جزء مقولات فرعی و درجه دوم محسوب شوند.

۶. مفهوم ضروری و ضروریات: بایستی سرنوشت تدین انسان با ضروریات دین گره بخورد؛ و الا اگر چیزی را جزء ضروری دین بدانیم که در واقع، نبود آن به تدین آسیبی نمی‌رساند، نشان دهنده وجود خلأ در این نگاه است.

۷. به نظر می‌رسد می‌توان مواردی را که مربوط به مقاصد و غایات و اهداف دین است، در کشف ارکان دین مؤثر دانست.

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر مصطفوی: مباحثی که جناب میرزایی فرمودند بیشتر متکی بر روش‌شناسی بود تا بیان ارکان. از بین مواردی که شما فرمودید می‌توانم «خدا»، «رابطه با خدا» و... را جزء ارکان بدانم و باقی را روش. از «رابطه خدا با انسان» در قرآن به ایمان تعبیر شده که ایمان یکی از ارکان است.

در باب رکن بودن مواردی چون زکات و انفاق بایستی تأمل نمود. در باب روش‌شناسی گفته شده:

۱. «تکرار و بسامد» را با برخی



در ادامه سلسله نشست‌های انجمن «جهان دینی - جهان جدید» اساتید حاضر در نشست در ادامه تعریف دین، موضوع «تعریف ارکان دین، ارکان تعریف دین و ارکان تحقق دین» را مورد بحث قرار دادند:

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر میرزایی: کشف تعریف دین، یک مسأله و مقوله درون دینی است. دین هر دین است که می‌تواند ارکان و تعریف دین را پیش روی مخاطب قرار دهد. ارکان دین با ارکان تدین، تفاوت آشکاری دارد. در حالی که اکثریت دین و تدین را یکی در نظر می‌گیرند؛ به عبارت دیگر، دین و تدین جابجا شده‌اند که این اتفاق، ناشی از نگاه اومانستی است. چون زمانی که دین، فعل انسان و خلق انسان دانسته شد و نه خلق خدایی فرار انسان، در این صورت منشأ دین و تدین یکی خواهد بود. بر خلاف نگاه ما که منشأ دین، یک چیز و منشأ تدین چیز دیگری است. در نگاه اسلامی، انسان فاعل و خالق تدین است و خداوند فاعل و خالق دین. در نگاه غربی اینگونه نیست. نوع نگاه اسلامی با نگاه غربی و اومانستی، اختلاف مبنایی و بنیادی دارد. دین مقوله‌ای تشکیکی است و مراتب دارد. دین یک حقیقت بسته نیست و حقیقتی ذومراتب است. ارکان دین شدت و ضعف این مسأله را برای ما روشن می‌کنند. مسیر و روشی که منجر به کشف ارکان می‌شود عبارت است از:

۱. توجه به تکرار و بسامدهای مفاهیم و گزاره‌های دینی و آیات قرآن: تکرار و بسامد و حضور بیشتر در قرآن یکی از شواهد رکن بودن است. برای مثال مفهوم «خدا» پر بسامدترین و وسیع‌ترین واژه و مفهوم در قرآن است. به همین دلیل، مفهوم خدا یکی از مفاهیم اصلی در بحث دین است. تکرار و بسامد، نشان دهنده اهمیت است وقتی این اهمیت به مرحله‌اعلای خود برسد، به رکن تبدیل می‌شود.

۲. کشف اولویت‌ها: می‌توان با استفاده از سازوکاری در قرآن کریم، به کشف مفاهیم اولویت‌دار رسید؛ با استفاده از تقابل‌ها،

۲. وجود دو امر متعامل انسان و خداوند با اصالت معنابخشی خداوند؛

۳. وجود امر فراتاریخ و فراطبیعت در این تجربه؛

۴. رخداد غیبی نبوت و رسالت که از آن امر فراتاریخ رخداد زبانی برای حوزه تاریخ اتفاق می‌افتد؛

۵. وجود مناسبات قدسی میان فاعلان متعامل (خدا و انسان)؛

۶. وجود عرصه‌های جریان این نسبت: بایستی عرصه‌ای برای جریان این نسبت قدسی در نظر گرفته شود.

در ارکان مفهومی دین نیز می‌توان پنج مؤلفه در نظر گرفت:

۱. وجود منطقی پیشادین‌شناخت: مفروض بگیریم که در تفسیر دین و تفسیر تحقق دین، یک منطق عقلانی پیشادین‌شناخت در فهم و تحقق دین داریم؛

۲. نظام نمایندگانی جهان زیست الهیاتی امر انسانی (که جناب دکتر میرزایی با مباحثی چون بسامدها، اولویت‌ها و مواردی از این قبیل، برخی از اوصاف این نظام نمایندگانی را مطرح کردند)؛ به این معنا که ما یک نظام نمایندگانی در تصویر آن امر قدسی و نسبت در اختیار داریم؛

۳. ساخت مقاصدی این آموزه‌ها در نسبت آن عنصر کشتی و انگیزشی امر قدسی که در ارکان دین فهرست کردیم؛

۴. وجود مناسبات و ساخت سیستمی میان این آموزه‌ها؛ با این توضیح که این آموزه‌ها، امورات پراکنده از هم نیستند؛

۵. وجود نوعی روش‌شناسی درون‌زا: به این معنا که آن منطق فهم دین که کارکرد عقل در فهم دین و دیان است، در ساخت آموزه‌های قرآن کریم و اوصیایی وجود دارد که به آن روش‌شناسی دورنزا نام می‌نهم و به طور خاص نسبت ساخت تربیتی و ساخت تنزیلی قرآن کریم که می‌تواند ارتباط نظام مفهومی و عملیاتی را برای ما گزارش کند؛

۶. خاستگاه تحقیقی: عرصه‌ای برای تحقق آن فراتاریخ در عینیت بیرون که در نظام مفاهیم بایستی مدنظر باشد.

در ارکان تحقق دین هم هفت مؤلفه بایستی مدنظر باشد:

۱. لحاظ اولویت عملکردی. در اینجا اصالت معنابخش را با انسان داریم. در ارکان دین، اصالت معنابخش با خداوند است و در اینجا با انسان. در حوزه تحقق دین، کارکرد عملکردی را به صورت معنابخشی انسان لحاظ می‌کنیم؛

۲. دین الگویی و در واقع نماد دار در سنت معین زیستی که اصل امامت و سنت اوصیایی در این مؤلفه می‌آید. به منظور تحقق آن فراتاریخ در عرصه عینیت نو به نو شونده تاریخی؛

۳. ظرفیت جریان داری دین در دیالکتیک نظر و عمل: آن دین همواره به صورت رفت و شد مستمری میان حوزه نظر و عمل در تکاپو و جریان است؛

۴. عنصر ایمان و عشق و ورزی، کشش آگریستانسیال یا زیستمانی: بایستی تجربه زیست دین‌دارانه خود را در این زیست و ساخت عاشقانه گزارش کند؛

مقدمات می‌پذیرم. در کتابی با موضوع شریعت (که ۲۰ سال پیش تألیف شد)، مبنای اهمیت موضوعات را بحث تکرار و بسامد ذکر کرده‌ام و این مقوله‌ای است که در آیات قرآن مشاهده می‌شود.

۲. اولویت: در قرآن مبنایی برای تعیین اولویت وجود ندارد. وعده و وعید مانند تکرار است و امری قابل دسترسی است و در این حرفی نیست. اما اولویت مقوله‌ای است که قابلیت دسترسی مستقیم ندارد و خود ما تشخیص می‌دهیم و بایستی معیاری برای این اولویت داشته باشیم.

۳. محکومات قرآن نیز می‌تواند جزء روش‌شناسی به حساب آید و ما را در رسیدن به ارکان یاری کند.

۴. نسخ: نسخ محل اختلاف است. برخی از افراد نسخ را به طور کلی قبول ندارند که حرف درستی است. قرآن مفاهیم را نسخ نکرده است. آیه «ما تَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِئُهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا...» ناظر به آیات ظاهری است و نه آیات قرآن؛ یعنی آیات خداوند در بیرون و مسائل فیزیکی. بنده قائلم که در آیات نسخ نداریم. چون اگر به نسخ قائل شویم مشکلات زیادی به وجود می‌آید.

۵. ثابت و متغیر هم همانطور که قبلاً گفته شده، می‌تواند در روش‌شناسی تأثیر داشته باشد.

۶. مباحث وعده و وعید که نشانگر اهمیت هستند، این را هم می‌پذیرم.

۷. منظور شما را از بحث ضروریات متوجه نشدم. خود قرآن در هیچ جا نگفته که فلان موضوع ضروری است و به آن مراجعه کنید.

۸. کشف مقاصد و غایات هم به عهده خود ماست.

از بین مؤلفه‌هایی که برای روش کشف ارکان گفته شد، سه مؤلفه تکرار، محکومات، وعده و وعید قابل دسترس در قرآن است. به این معنا که بر مبنای اینها می‌توانیم به ارکان دست یابیم و باقی مؤلفه‌های گفته شده محل تأمل دارد. بنابراین، بر اساس آموزه‌های قرآن، می‌توان به شش رکن تحلیلی دست یافت:

اصول عقاید با محوریت توحید (توحید، رسالت و معاد)، سه رکن اصلی هستند (در بحث اصول دین، ما سه اصل داریم؛ موضوع عدالت بحثی جداگانه است و امامت هم محل اختلاف است). این سه رکن مورد اتفاق همه مسلمانان بوده و جزء ارکان دین محسوب می‌شوند. رکن چهارم، شریعت است که بایستی در آن، محوریت عدالت لحاظ شود. اخلاق نیز، رکن پنجم پیشنهادی است و در آیات قرآن و سنت اهل بیت (ع) بر این مؤلفه تأکید شده است و در نهایت رکن «مسئولیت‌های اجتماعی» که مواردی همچون زکات، انفاق، جهاد و... را در برمی‌گیرد.

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر آکوچکیان: در بحث ارکان

دین با توجه به اینکه دین را در یک تعریف فشرده،

سنت زیست قدسی تعریف کردیم، مؤلفه‌های

پیشنهادی در تبیین ارکان دین عبارتند از:

۱. ظهور اصل کشش و انگیزش به

تغییر و امر قدسی؛



۵. مؤلفه پنجم سطوح تحقق دین و نقش خداوند است که در حقیقت در این عرصه از کارکرد نقش خداوند سخن می‌گوییم؛
 ۶. ورود دین در مقوله زمان، مکان و موقعیت است. در واقع بستر تحقیقی مقوله زمان اینگونه در ارکان تحقق دین وارد می‌شود و مقوله تطبیق امر فراتاریخ با تاریخ در این واحد تحلیلی معرفی می‌شود؛
 ۷. ظرفیت مستمر تجربه مدرنیته به مفهوم تازه شونددگی و نه نوشونددگی. در ادبیات و تجربه غرب، مدرنیته و مدرن در مقابل سنت قرار می‌گیرد؛ به دلیل آن مناسبات و معادلات و مجادلات میان پروتستان‌تیزم و کاتولیسیم. اما در ذات تجربه زیست دین‌دارانه، عنصر تازه‌شدگی و نه نوشدگی مقابل کهنه قرار دارد. این مدرنیته مستمر همواره در تجربه زیست دین‌دارانه مهیاست.



پردازش «مبانی معرفت‌شناخت اندیشه و دانش تفسیری» یکی از دستاوردهای دومین کنفرانس قرآن پژوهی پیشرفت است. در این راستا، تألیف کتاب دو جلدی «مبانی معرفت‌شناخت تفسیر پیشرفت‌شناخت» در نظام مأموریت دبیرخانه این کنفرانس قرار گرفته است. کتاب اول به بررسی نظریه پیشنهادی دبیرخانه علمی و کتاب دوم به گفتگوی میان اساتید صاحب نظر در این زمینه نظر دارد.

کتاب «مبانی فلسفه دینی تفسیر پیشرفت‌شناخت»، اولین سطح پارادایمی نظریه و مکتب تفسیری پیشرفت‌شناخت را به دست داده است و اینک فرآیند شکل‌گیری این اندیشه مرجع، ناظر به ساخت نظام مسائل این عرصه و سامان دانشی برآمده از آن و معطوف به آن، و نیز کارکردداری آن در بنیان‌پردازی دانش مبنای مدیریت دین‌شناخت پیشرفت در دستور تحلیل است که در نهایت فرآوری در ذیل نظام‌شناسی دین و نظام‌سازی دین‌شناخت پیشرفت، در راستای معرفت‌شناسی تفسیر پیشرفت‌شناخت، معرفت مرجع در سامانه قرآن‌شناخت تفسیر - تدبیر جهان، موضوع این فلسفه مضاف معرفتی است. بر این اساس، فصل‌های تحلیلی معرفت‌شناسی تفسیر در چهار بخش سازوکاری دیالکتیکی، سامان یافته است:
 ۱. فرآیند شکل‌گیری اندیشه پیشرفت‌شناخت تفسیری و در این راستا، نظام‌شناسی دین؛

۲. سامانه دانشی پیشرفت‌شناخت تفسیری، در فرآوری و انباشت آن اندیشه مرجع پیشرفت‌شناخت تفسیری؛

۳. دانش‌بنیانی الگوی تدبیر توسعه‌ای: شکل‌گیری نظریه پیشرفت حکمت بنیان و نظام تدبیر مبتنی بر آن (نظام ولایت اندیشه تفسیری - فقیه)؛

۴. نظام‌سازی توسعه‌ای دین‌شناخت.

خاستگاه شکل‌گیری ساحت معرفت‌شناسی تفسیری، بنیان فلسفه دینی آن است. در این خاستگاه، رویکرد تفسیر پیشرفت‌شناخت، مجال طرح و حضور می‌یابد. اولین سطح نقد مقایسه‌ای این نظریه و مکتب تفسیری با دیگر گرایش‌ها، نظریه‌ها و جریان‌های تفسیری، گام فلسفه دینی است و سپس، به ظهور اندیشه قرآن‌شناخت پیشرفت و شکل‌گیری گفتمان معرفت‌شناخت آن در ساختاری پیوسته و سازوکاری بر بنیان فلسفه دین، نوبت می‌رسد. ساختار مسائل معرفت‌شناسی تفسیر، بر مدار سه شاخص سامان‌داری ساختار هر گونه فلسفه علم دین و علم دینی، در سه سطح تحلیل پیشنهاد می‌شود:

۱. سطح اول: اقتضانات فلسفه دینی علم دین - علم دینی و از جمله اندیشه تفسیری: خاستگاه درجه اول، چرایی اندیشه تفسیری، در دو فراز:

- نظریه و مکتب تفسیر پیشرفت‌شناخت و دامنه این نظریه؛

- از مبانی فلسفه دینی به ساحت معرفت‌شناخت اندیشه تفسیری.

۲. سطح دوم: ساختار معرفت‌شناخت علم دین - علم دینی و از جمله اندیشه و دانش تفسیر - تفسیری. سامان اصلی ساختاری فلسفه اندیشه تفسیری، ساخت معرفت‌شناختی آن است که به نوبه خود در پنج فراز تحلیلی جای دارد:

- مبانی عام معرفت‌شناخت اندیشه و دانش تفسیری بر مدار اندیشه دین‌شناخت پیشرفت؛

- مبانی خاص معرفت‌شناختی تفسیر پیشرفت‌شناخت در راستای مبانی عام برگزیده؛

- بازخوانی مبانی روان‌شناخت و جامعه‌شناخت اندیشه و دانش تفسیری پیشرفت‌شناخت؛

- گذار تاریخی بر تطور اندیشه و دانش تفسیری پیشرفت‌شناخت؛

- مدخلی بر اقتضانات روش‌شناخت مبانی برگزیده معرفت‌شناخت تفسیر - تفسیری پیشرفت‌شناخت.

۳. سطح سوم: کارکرد توسعه‌ای علم دین - علم دینی و از جمله اندیشه و دانش تفسیری، در چهار فراز:

- کارکرد در فرآوری نقشه جامع اندیشه و دانش قرآنی؛

- کارکرد نگره قرآن‌شناخت پیشرفت در نظام‌دهی به تفسیر متن؛

- بهره در علوم انسانی دین (قرآن) شناخت؛

- نظام‌سازی توسعه‌ای دین‌شناخت.

